

Crisis Components in Iran-Saudi Relations (2000-2017)

Alireza Saberfard*

National Research Institute for Science Policy (NRISP), alireza.saberfard@gmail.com

Hassan Kabiri

Ph.D Student, Allameh Tabataba'i University, h.kabiri1392@gmail.com

Abstract

Purpose: The main purpose of this study is to understand the critical components of Iran-Saudi relations as two regional powers in the Persian Gulf and also to investigate the impact of political-security factors affecting Iran-Saudi divergence in the past decade and also. We are explaining the economic factors influencing Iran-Saudi divergence over the past decade.

Methodology: But the research method in this descriptive-analytical article, through the analytical method of the critical economic and security components in Iran's strategic relations with Saudi Arabia, is examined within the framework of international relations approaches and based on economic, political and security components ... The goals, interests and influence of the Islamic Republic of Iran in relation to these issues are described.

Findings: What we found in this study, the most critical components in the two countries' relations are: energy price fluctuation, threat of closure of the Strait of Hormuz, competition over Islamic world leadership and military presence in the region.

Conclusion: During the period between Iran and Saudi Arabia, especially between 2015 and 2017, what is evident is that the critical components of the two countries' relations can be divided into two areas - political, security and economic. However, what has been evident in recent years has been a lack of understanding by both sides of the wishes and interests of the political authorities of the two countries, and a lack of direct negotiation over what is happening in the region is increasingly evident.

Key Words: Iran, Saudi Arabia, Strait of Hormuz, Islamic World, Oil, Crisis.

مؤلفه‌های بحران‌زا در روابط ایران و عربستان (۲۰۰۰-۲۰۱۷)

علیرضا صابرفرد*

پژوهشگر گروه آینده اندیشی مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور alireza.saberfard@gmail.com

حسن کبیری

دانشجوی دکتری روابط بین الملل دانشگاه علامه طباطبائی h.kabiri1392@gmail.com

چکیده

هدف: هدف اصلی از نگارش این پژوهش درک صحیح مؤلفه‌های بحران‌زا در روابط ایران - عربستان به‌عنوان دو قدرت منطقه‌ای در خلیج فارس است و همچنین در کنار این هدف به دنبال بررسی تأثیر عوامل سیاسی - امنیتی مؤثر بر واگرایی ایران - عربستان در یک دهه گذشته و همچنین تبیین عوامل اقتصادی مؤثر بر واگرایی ایران - عربستان در یک دهه گذشته می‌باشیم.

روش: اما روش پژوهش در این مقاله توصیفی - تحلیلی یعنی از طریق روش تحلیلی مؤلفه‌های بحران‌زا اقتصادی و امنیتی موجود در روابط راهبردی ایران با عربستان سعودی در چارچوب رویکردهای روابط بین‌الملل و با تکیه بر مؤلفه‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی ... مورد بررسی قرار می‌گیرد و اهداف، منافع و تأثیرگذاری جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با این مسائل توصیف شده است.

یافته‌ها: آنچه در این پژوهش به‌عنوان یافته به آن دست یافتیم؛ مهم‌ترین مؤلفه‌های بحران‌زا در روابط دو کشور عبارت‌اند از؛ ایجاد نوسان در قیمت انرژی، تهدید به بسته شدن تنگه هرمز، رقابت بر سر رهبری جهان اسلام و حضور نظامی در کشورهای منطقه می‌باشد.

نتیجه‌گیری: در جریان روابط ایران و عربستان سعودی به‌خصوص در بین سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۷ آنچه مشهود است می‌توان مؤلفه‌های بحران‌زا در روابط دو کشور را در دو حوزه سیاسی - امنیتی و اقتصادی تقسیم کرد. هرچند در سال‌های گذشته آنچه مشهود بوده است عدم فهم مقامات سیاسی دو کشور از خواسته‌ها و منافع دو طرف بوده است و عدم مذاکره مستقیم پیرامون اتفاقات و رخداد‌های منطقه بیش‌ازپیش به چشم می‌آید.

واژگان کلیدی: ایران، عربستان، تنگه هرمز، جهان اسلام، نفت.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۳/۲۰ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۰۶/۳۱

مقدمه

منطقه خلیج فارس را نظریه‌پردازان قدیمی به خاطر وجود انرژی در آن هارتلند نامیده‌اند. این منطقه از چند دهه گذشته در کانون مسئله امنیت بین‌المللی بوده است. عوامل متعددی از قبیل منابع انرژی، رقابت‌های منطقه‌ای و قدرت‌های خارجی در هم‌گرایی و واگرایی میان کشورهای حاشیه خلیج فارس مؤثر بوده است. اکنون مؤلفه جدیدی در حال ظهور است که می‌تواند شکل‌بندی قدرت و امنیت را در این منطقه در طول سال‌ها و دهه‌های آینده تغییر دهد و رقابت‌های منطقه‌ای را وارد مرحله نوینی سازد.

با توجه به اهمیت بنیادین منطقه خلیج فارس و قرار گرفتن دو قدرت منطقه‌ای یعنی عربستان سعودی و ایران، حضور ایالات متحده به‌عنوان قدرت فرا منطقه‌ای و سیاست‌های آن موجب بالا رفتن تنش میان دو بازیگر در سال‌های پس از انقلاب اسلامی نیز شده است. یکی از این سیاست‌هایی که ایالات متحده در روابطش با عربستان نسبت به ایران در پیش گرفته است دوستی با عربستان در قرار دادن این بازیگر در مقابل ایران است. یکی از مهم‌ترین دلایل اجرای این سیاست را باید در منافع انرژی در این کشور دید.

وقوع انقلاب اسلامی در ایران که علی‌القاعده می‌بایست موجب همگرایی و تعامل میان ایران و اعراب شود، در کنار رویکردهای ایالات متحده به‌ویژه در دامن زدن به ایران هراسی، مانع نزدیکی میان ایران و اعراب گشت. به‌عبارت‌دیگر علاوه بر عوامل اختلاف و تعارض میان ایران و اعراب در زمان پهلوی، پیروزی انقلاب اسلامی و تقابل با ایالات متحده، باعث گردید تا ایران با اعراب به‌ویژه عربستان سعودی در مسائل مختلف منطقه‌ای وارد رقابت، تضاد و واگرایی شود. عمده این تعارض‌ها بر سر منافع و اهداف ملی طرفین از جمله نفوذ در مناطق دچار خلأ قدرت (خلیج فارس، عراق، لبنان)، تجدیدنظرطلبی (نسبت به نظم و نظام‌های منطقه)، مناقشه برای برتری در خلیج فارس و غرب آسیا، تعارض‌های ایدئولوژیک (شیعه و سنی)، رقابت‌های اقتصادی (در موضوع نفت و همچنین روابط اقتصادی با کشورهای منطقه) بوده است (ازغندی و آقا علیخانی، ۱۳۹۲: ۲۳۸).

تبیین بخش قابل‌توجهی از سیاست خارجی ایران و عربستان در قبال هم را باید در گستره ژئوپلیتیک منطقه‌ای و تحولات آن جستجو نمود. در واقع، چندوچون این تحولات ژئوپلیتیک در دوره‌های مختلف بوده است که شکل روابط ایران و عربستان و نوع سیاست خارجی آن‌ها را در قبال هم از دوستی و اتحاد تا تقابل و دشمنی متغیر ساخته است. از منظر ژئوپلیتیک، مبنای سیاست تهاجمی فعلی عربستان در قبال ایران را باید در روند تحولات جنگ عراق (۲۰۰۳)، جنگ حزب‌الله و اسرائیل (۲۰۰۶)، انقلاب‌های عربی و جنگ داخلی سوریه (۲۰۱۱)، ظهور داعش (۲۰۱۴) و جنگ یمن (۲۰۱۵) جستجو کرد.

این موارد که خود نشأت گرفته از سیاست‌های تهاجمی دو کشور در سال‌های گذشته در منطقه می‌باشد بیشتر ریشه در مسائل هویتی و ایدئولوژیکی در سیاست خارجی دو طرف دارد. سؤال این پژوهش آن است که؛ چه مواردی به‌عنوان مؤلفه‌های بحران‌زا در روابط ایران و عربستان در بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۷ وجود دارد؟ فرضیه پژوهش؛ آنچه در سیاست خارجی عربستان و ایران در بین سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۷ (پس از بیداری اسلامی) بیشتر نمود یافته است، واگرایی و ایجاد بحران در زمینه‌های مختلف بین دو کشور بوده است که مهم‌ترین مؤلفه‌های بحران‌زا در روابط دو کشور عبارت‌اند از؛ ایجاد نوسان در قیمت انرژی، رقابت بر سر رهبری جهان اسلام و حضور نظامی در کشورهای منطقه.

هدف از نگارش این پژوهش، ترسیم مهم‌ترین مواردی که موجب بحرانی شدن در روابط دو کشور شده است، می‌باشد. روش پژوهش در این مقاله توصیفی - تحلیلی است و برای گردآوری اطلاعات نیز عمدتاً از روش کتابخانه‌ای و مطالعه سایت‌ها استفاده شده است. نوآوری این پژوهش در تازگی و عدم بررسی آن در منابع داخلی (با توجه به تازگی موضوع و بررسی در دوران پادشاهی سلمان) می‌باشد و در این پژوهش سعی شده است اکثراً از منابع انگلیسی استفاده شود. همچنین این پژوهش از سه بخش اصلی تشکیل شده است؛ بخش اول به بیان چارچوب نظری یعنی واقع‌گرایی تهاجمی پرداخته است، بخش دوم نیز به پیشینه دو کشور پس از انقلاب اسلامی و سابقه آن اشاره شده است و بخش سوم پژوهش که مهم‌ترین قسمت آن است مؤلفه‌های بحران‌زا در دو کشور در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۷ اشاره شده است.

۱. پیشینه پژوهش

یکی از آثاری که در این موضوع کار شده است پایان نامه ای با عنوان «بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در منطقه خاورمیانه در دهه اخیر با تأکید بر کشورهای (عراق و لبنان)»، می‌باشد که ابوالفضل شاهسون طغان آن را به نگارش در آورده است. اما آنچه مشهود است با آنکه شباهت ظاهری بین این اثر و مقاله وجود دارد اما فقط ب یک مولفه یعنی حضور نظامی در منطقه اشاره شده است و باقی موارد مورد غفلت واقع شده است.

یکی دیگر از پژوهش‌هایی که در این حوزه به کار گرفته شده است «بررسی الگوی رقابت ایران و عربستان برای نفوذ در جهان اسلام» که پایان نامه نعمت صالح منفرد می‌باشد که در سال ۱۳۹۱ به نگارش در آمده است. این پژوهش نیز فقط به یک مورد از مولفه‌های بحران‌زا یعنی رقابت دو کشور در جهان اسلام پرداخته شده است. مقاله ای نیز با عنوان «دورنمای رابطه جمهوری اسلامی و عربستان سعودی: سناریوهای محتمل» توسط داوود قرائق زندی، در فصلنامه علوم سیاسی در سال ۱۳۹۵ به چاپ رسیده است. این مقاله با آنکه برخی از اختلافات میان دو کشور را بررسی نموده است اما با این حال بسیاری از موارد را مورد غفلت قرار داده است. از جمله

آنها باید به موارد اقتصادی در روابط دو کشور اشاره کرد که بسیاری از این آثار در مولفه‌های خود بدان اشاره نکرده‌اند.

یکی دیگر از آثار که به طور خاص در این پژوهش استفاده شده است مقاله‌ای با عنوان «بحران یمن: بررسی زمینه‌ها و اهداف مداخلات خارجی عربستان و آمریکا» می‌باشد که توسط رضا التیامی نیا، علی باقری و جاسب نیکفر، در فصلنامه پژوهش راهبردی سیاست در سال ۱۳۹۵ به چاپ رسیده است. این اثر نیز با وجود پختگی و اشاره کامل به جنگ یمن و دخالت‌های قدرت‌های فرامنطقه‌ای همچون آمریکا اما به حضور عربستان و ایران به طور کامل اشاره نکرده است.

۲. روش پژوهش

شیوه گردآوری در این مقاله فیش‌برداری از کتب مختلف، آمار و اطلاعات و همچنین گزارش‌های پژوهشی سازمان‌ها و مؤسساتی که در زمینه خاورمیانه و عربستان تخصص دارند، استفاده می‌گردد. همچنین از اینترنت و اطلاعات افراد مجرب و متخصص در این رابطه و نیز بانک‌های اطلاعاتی رایانه‌ای بهره‌گیری می‌شود. از نوآوری در این پژوهش می‌توان به استفاده از آمارهای سازمان تجارت جهانی و بانک جهانی و همچنین مقالات صندوق بین‌المللی پول اشاره کرد. اما روش پژوهش در این مقاله توصیفی - تحلیلی یعنی از طریق روش تحلیلی مولفه‌های بحران‌زا اقتصادی و امنیتی موجود در روابط راهبردی ایران با عربستان سعودی در چارچوب رویکردهای روابط بین‌الملل و با تکیه بر مؤلفه‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی ... مورد بررسی قرار می‌گیرد و اهداف، منافع و تأثیرگذاری جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با این مسائل توصیف شده است.

۳. پیشینه روابط ایران و عربستان

در بررسی روابط دو کشور سال‌هایی که ایران درگیر جنگ تحمیلی با عراق بوده از اهمیت برخوردار است. در سایه رقابت‌های ایدئولوژیک میان ایران و عربستان و نگرانی ریاض از گسترش اندیشه‌های انقلابی شیعی در سرزمین‌های جنوب خلیج فارس، این کشور در جریان جنگ تحمیلی کمک‌های بسیاری به عراق نمود و منابع مالی گسترده‌ای را در اختیار بغداد گذاشت. در واقع از دیدگاه ریاض، دولت عراق که یکی از نیرومندترین ارتش‌های عربی را داشت، مانع بزرگی برای آنچه ترویج ایدئولوژی انقلابی شیعیان قلمداد می‌شد، به شمار می‌آمد (شجاع، ۱۳۸۶: ۴۳).

در دوره سازندگی نقش هاشمی رفسنجانی در تنظیم سیاست خارجی ایران در ارتباط با محیط پیرامونی و بخصوص روابط با عربستان سعودی تا حد زیادی به عنصر شخصیت او بازمی‌گردد. بدین معنی که روابطی که او با مقامات عربستان سعودی و شخص ملک عبدالله پادشاه عربستان برقرار کرد در برهه‌ای از تاریخ روابط خارجی ایران، جز اثرگذارترین و مطلوب‌ترین دوره‌ها

بوده است. اگرچه قابل ذکر است که گفتمان توسعه محور و اعتدال‌گرای وی نیز در تنظیم سیاست خارجی ایران و رفتار با دولت‌های جهان و منطقه نیز نقش بی‌بدیلی داشته است (کرمی، ۱۳۹۶). باروی کار آمدن سید محمد خاتمی و نظریه گفتگوی تمدن‌ها که اساس سیاست خارجی وی را تشکیل می‌داد، روابط دوجانبه، بیش از گذشته تقویت شد. این سال‌های نزدیکی روابط، بدون چالش همراه نبود، مذبذگ‌گذاری برج‌های خبر که مضمون اولیه آن ایران عنوان شد و حمله به کنسولگری ایران در افغانستان که منجر به کشته شدن ۸ دیپلمات ایرانی شد، از جمله این اقدامات خرابکارانه است؛ اما این بهبود روابط بعد از سال ۲۰۰۳ میلادی تداوم نداشت. در این سال با حمله آمریکا به عراق، تنش در روابط دوجانبه ایجاد شد. با این حال از این دوران با عنوان دوران طلایی روابط دو کشور یاد می‌کنند. به طوری که در زمانی که احتمال حمله مستقیم آمریکا به ایران زیاد بود، عربستانی‌ها به دلیل حسن نیت خود، مقامات ایران را از جزئیات طرح حمله احتمالی باخبر کردند.

ایران و عربستان به عنوان دو قدرت منطقه‌ای پس از انقلاب روابط پرفرازونشیبی داشته‌اند؛ یعنی گرچه در برخی مقاطع از دولت‌های سازندگی و اصلاحات، به سبب سیاست خارجی عمل‌گرا و تنش‌زدایی، از میزان پیچیدگی و رقابت دو دولت کاسته شد؛ اما در دوره احمدی‌نژاد دوباره همانند دوران جنگ تحمیلی به دلایلی چون برنامه هسته‌ای، مسائل عراق، سوریه و بحرین تنش بر روابط آن‌ها حکم فرما شد. البته، بخشی از این مسئله ناشی از سیاست خارجی ایدئولوژیک دولت احمدی‌نژاد بود که طبیعتاً حساسیت دولت‌های سنی مذهب عرب را برمی‌انگیخت؛ زیرا این شکل سیاست خارجی فراتر از قلمرو سرزمینی می‌اندیشید و خود را به اصول اخلاقی مثل ارزش‌های انسانی و یا صلح (البته، با قرائت ویژه خود) پایبند می‌دانست (ابراهیمی، ۱۳۸۸: ۱۲۹-۱۳۱).

اما در سه سال پادشاهی ملک سلمان، محمد بن سلمان به عنوان ولیعهد، جایگزین رقیبش محمد بن نایف ولیعهد و وزیر کشور سابق شد. این تغییر مهم که راه را برای پادشاهی محمد بسیار فراهم کرده و به زعم بسیاری از تحلیل‌گران پیامدهای مهمی در سطوح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی برای عربستان دارد. در سطح داخلی این تغییر به منزله موروثی شدن قدرت در شاخه سلمان است که بدعتی جدید در پادشاهی خو گرفته به اجماع و بیعت میان برادران و نوادگان است و می‌تواند منجر به تشدید اعتراضات میان شاهزادگان شود.

در سطح منطقه‌ای، این تغییر منجر به تشدید سیاست‌های نظامی و امنیتی عربستان خواهد شد که بخش عمده‌ای از آن معطوف به نقش منطقه‌ای ایران است و در سطح بین‌المللی نیز شاهد همسویی بیشتر عربستان با راهبرد خاورمیانه‌ای آمریکا خواهیم بود که این مسئله هم‌زمان می‌تواند در هماهنگ‌تر کردن سیاست‌های امنیتی در قبال ایران نیز مؤثر باشد.

۱. چارچوب نظری (واقع‌گرایی تهاجمی)

واقع‌گرایی به‌عنوان نقطه شروع و به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین نظریاتی است که در روابط بین‌الملل از آن استفاده می‌شود. بر طبق گفته‌های میرشایمر، واقع‌گرایان کلاسیک معتقدند که انسان‌ها به‌طور ژنتیکی به دنبال دستیابی به قدرت هستند. از آنجایی که دولت‌ها با مردم اهداف مشابهی در زندگی دارند، به این نتیجه می‌رسیم که در این مسئله افراد و یا رهبران سیاسی به دنبال غرایز خود حرکت می‌کنند که یا در این راه پیروز می‌شوند و یا شکست را می‌پذیرند (Mearsheimer, 2010: 78).

واقع‌گرایی ساختاری بر اساس پنج فرضیه بنا شده است؛ اول، دولت‌ها بازیگرانی هستند که در یک سیستم آنارشی قرار دارند و قدرت‌های بزرگ تمرکز ویژه‌ای به‌عنوان بازیگران اصلی بازی می‌کنند. ثانیاً، دولت‌ها خطرناک هستند و هر دولتی که از قدرت بیشتری برخوردار باشد، می‌تواند آسیب بیشتری به رقبای خود وارد کند. ثالثاً، دولت‌ها هیچ تضمینی نسبت به رفتار خود در قبال رقبای خود نمی‌دهند، دیپلمات‌ها دروغ می‌گویند و رژیم‌ها نیز ممکن است تغییر کنند. برخی از دولت‌ها به دنبال تغییر ساختار قدرت هستند و برخی دیگر از کشورها به دنبال حفظ تعادل می‌باشند؛ که به ترتیب به‌عنوان تجدیدنظرطلبان و حفظ وضع موجود شناخته می‌شوند. چهارم، مهم‌ترین هدف دولت‌ها حفظ بقا می‌باشد که شامل؛ حفظ مرزها و حاکمیت خود است که هیچ هدفی برای آن‌ها بالاتر از حفظ بقا نیست. پنجم، دولت‌ها بازیگران منطقی هستند، آن‌ها می‌توانند در انجام کارها اشتباهاتی را مرتکب شوند اما می‌توانند با اقدامات خود به دنبال پیگیری اشتباهات را جبران و بازگردانی قدرت شوند (Mearsheimer, 2010: 79-80).

این ساختار ترکیبی است از اطمینان و عدم اطمینان که موجب ترس بین بازیگران می‌شود. دولت‌ها مجاز هستند که در هرج و زمانی که می‌خواهند برای افزایش قدرت بر رقبای خود فشار وارد کنند. این چرخه اجباری دائمی منجر به معضله امنیت می‌شود. محیط بی‌اعتمادی متقابل باعث می‌شود که بازیگران از مزایای استفاده از همکاری اجتناب کنند، زیرا خطرات خیانت زیاد است. تنها راه می‌تواند حفظ قدرت باشد اما در مقابل رقیب به دنبال افزایش قدرت خود است که موجب می‌شود تا هر دو قدرت به دنبال افزایش قدرت و عدم اطمینان نسبت به نیت یکدیگر حرکت کنند (Mearsheimer, 2010: 80-81).

هنگامی که به سیاست منطقه‌ای ایران می‌نگریم، تمایز میان واقع‌گرایی تدافعی و واقع‌گرایی تهاجمی را می‌توان در عملکردها مشخص کرد (Farhi & Lotfian, 2012: 120). از یک‌سو، رفتار ایران در دستیابی به توافق هسته‌ای را باید در مکتب «رنالیسم تدافعی» جستجو کرد که در اینجا ایران هدف اصلی روابط خوب با غرب را بر اساس بازی برد-برد در عرصه سیاست خارجی دنبال می‌کند (Fathollah Nejad, oct. 25, 2017). از سوی دیگر، سیاست‌های ایران پس از سقوط صدام حسین در عراق و جنگ‌های داخلی در سوریه و حضور ایران در دو کشور را باید در مکتب فکری «رنالیسم تهاجمی» توضیح داد. ایران به‌هیچ‌رویی علاقه‌ای به عقب‌نشینی از خاک

عراق را ندارد چراکه دولت مرکزی تحت رهبری شیعیان است و ایران نیز می‌تواند بر اساس منافع خود در این کشور گام بردارد. تهران در جنگ اخیر با داعش با شبه‌نظامیان شیعه همکاری و حمایت می‌کند و علاوه بر این سیاست توسعه اقتصادی در مناطق شیعه عراق را دنبال می‌کند (Fathollah Nejad, 2016: 71).

با توجه به رویکرد چندجانبه از سوی ایران و عربستان سعودی، واقع‌گرایی تهاجمی بهترین رویکرد در تجزیه و تحلیل سیاست خارجی این دو کشور در سال‌های گذشته می‌باشد. واقع‌گرایی بر نتایج نسبی و میل به امنیت تأکید می‌کند که در آن می‌توان به بررسی ایدئولوژی و هویت نیز پرداخت. ساختارگرایی بر ایده‌هایی تأکید می‌کند که منجر به رفتار منطقی شود و در نهایت به امنیت و قدرت بیشتر برسد. تجزیه و تحلیل نظریه‌ها این امکان را به نظریه‌پردازان می‌دهد تا بتوانند رویکرد بازیگران را بر اساس یک مکتب خاص بررسی کنند (Hameed, 2017: 29).

علی‌رغم تلاش روحانی برای اتخاذ سیاست تنش‌زدایی در جهت ترمیم روابط با عربستان، اما نتوانست به این مهم دست یابد. هر دو طرف یعنی ایران و عربستان بر اساس مکتب «واقع‌گرایی تهاجمی» سعی کردند در اتحادهای مدنظر خود همچون شورای همکاری خلیج فارس حرکت کنند. همچنین پس از رأی آوردن دوباره روحانی در ۱۹ می ۲۰۱۷، مقامات دولت اولویت اصلی خود را بر تنش‌زدایی منطقه‌ای گذاشتند اما با سفر ترامپ در ژوئن ۲۰۱۷ به ریاض و حملات تهران دوباره چشم‌اندازهای دوستی از بین رفت و ابتکار منطقه‌ای در جهت حل و فصل مشکلات بسیار دشوار شد (Fathollah Nejad, oct. 25, 2017).

برای بررسی رفتار دو کشور در عرصه سیاست خارجی رویکرد واقع‌گرایی تهاجمی بهترین نظریه در این حوزه می‌باشد. عربستان سعودی بیشترین نگرانی را نسبت به امنیت و دستاوردهای نسبی خود در منطقه داد و از این حیث برای آنکه بتواند جایگاه خود در رهبری جهان اسلام و حفظ ژئوپلیتیک منطقه‌ای را در مقابل نفوذ ایران حفظ کند، روابط خود را با غرب گسترده‌تر کرده است؛ اما در مقابل، ایران با توجه به رویکرد ایدئولوژی محور حرکت می‌کند و سعی در تأمین امنیت نسبی خود دارد و هویت خود را بیشتر بر اساس مخالفت با منافع غربی می‌بیند (Hameed, 2017: 29).

۲. مولفه‌های بحران‌زا در روابط ایران و عربستان

۳-۱. ایجاد نوسان در قیمت انرژی (کاهش قیمت نفت)

گزارش اوپک در سال ۲۰۱۷ نشان می‌دهد که تولید نفت ایران و در مجموع تولید نفت اوپک در اکتبر ۲۰۱۷ کاهش اما تولید نفت عربستان به ۱۰ میلیون بشکه در روز افزایش یافته است. اوپک در جدیدترین گزارش خود اعلام کرد تولید نفت ایران در ماه اکتبر ۲۰۱۷ (مهر ۱۳۹۶) به ۳ میلیون و ۸۲۳ هزار بشکه در روز رسیده است که نسبت به ماه پیش از آن ۱۱,۳ هزار بشکه در روز کمتر است. ایران در سه‌ماهه سوم سال ۲۰۱۷ یعنی ماه‌های جولای، آگوست و سپتامبر

روزانه ۳ میلیون و ۸۳۳ هزار بشکه نفت تولید کرده است. عربستان نیز در این ماه‌ها روزانه ۱۶ هزار و ۹۰۰ بشکه نفت بیشتر از ماه سپتامبر تولید کرده و میزان تولید این کشور به ۱۰ میلیون بشکه در روز رسیده است (Opec Monthly Oil Market Report, 11 October 2017).

در ماجرای پرونده هسته‌ای، عربستان تلاش گسترده‌ای برای اعمال تحریم‌های جامعه جهانی علیه ایران انجام داده تا قدرت رقابت ایران با خود را در منطقه بکاهد. درحالی‌که صادرات نفت ایران به دلیل تحریم‌های بین‌المللی، به کمتر از یک میلیون بشکه کاهش یافته بود و محدودیت‌های مالی بین‌المللی نیز مانع از ورود دلارهای حاصل از فروش همین میزان صادرات به ایران بود، عربستان با افزایش شدید صادرات نفت خود، قیمت نفت را بشدت کاهش داد. اگرچه این سیاست بعدها به اقتصاد عربستان نیز صدمه جدی وارد کرد اما قیمت نفت طی سال‌های اخیر بشدت سیر نزولی داشته است. عربستان پس از برجام نیز با بازگرداندن سهم صادراتی به ایران، کوشش فراوانی برای محدودسازی منابع ایران انجام داد (ناصرپور، ۱۳۹۶: ۳۶). آل سعود در پی آن بود که با افت شدید قیمت نفت، اقتصاد ایران را هدف قرار دهد. نسبت بالایی از درآمد ایران از نفت و گاز حاصل می‌شد و کاهش قیمت انرژی می‌توانست باعث تورم و تعطیلی کارخانه‌ها و دامن زدن ناآرامی‌ها شود و درنهایت این مسئله می‌توانست از حمایت ایران از سوریه بکاهد.

کاهش قیمت نفت برای فشار بر ایران از سوی عربستان تبعات مخربی برای این کشور به بار آورده است. عربستان در سال ۲۰۱۴ حدود ۳,۴ درصد کسری بودجه داشته اما در سال ۲۰۱۵، کسری بودجه عربستان به ۲۱,۶ درصد (حدود ۱۰۰ میلیارد دلار) رسیده است و در سال ۲۰۱۶، کسری بودجه‌ی این کشور ۱۹,۴ درصد شده است. عربستان سعودی در حال حاضر ۶۵۰ میلیارد دلار ذخیره‌ی ارزی در خارج از کشور دارد که به سرعت در حال مصرف آن است (www.independent.co.uk, 2017).

ریاض در سال ۲۰۱۸ پس از فشارهای فراوان داخلی در تصویب بودجه، درنهایت تصمیم به افزایش بودجه و تخصیص آن درزمینه خصوصی را صادر کرد که در سال ۲۰۱۸ برای اولین بار به رکورد ۲۶۱ میلیاردی رسید و ازجمله آن به تخصیص ۱۹ میلیارد بودجه در بخش خصوصی می‌توان اشاره کرد. یکی از اهداف عربستان به همراه روسیه در سفری که ملک سلمان در فوریه ۲۰۱۸ به این کشور داشته است؛ همکاری درزمینه سیاست‌گذاری نفتی می‌باشد. این در حالی است که بن سلمان طبق چشم‌انداز ۲۰۳۰ در این کشور می‌خواهد سهام آرامکو را به صورت دوره‌ای به فروش برساند تا میزان وابستگی به نفت را کاهش دهد (Trickett, February 27, 2018).

۲-۳. رقابت بر سر رهبری جهان اسلام

بهره‌گیری ابزاری از دین و نژاد در تحکیم جایگاه منطقه‌ای عربستان در سال‌های اخیر رو به ازدیاد بوده است. در این معنا ائتلاف‌سازی و اتحادهای داخلی و خارجی عربستان باید در

راستای تحکیم و ارتقای جایگاه منطقه‌ای آن قرار بگیرد. ائتلاف‌سازی در قالب شورای همکاری خلیج فارس در راستای حفظ و ارتقای جایگاه منطقه‌ای عربستان در برابر ایران صورت گرفت. حتی بخش قابل توجهی از عقلانیت اتحاد استراتژیک با ایالات متحده نیز در راستای تحکیم جایگاه منطقه‌ای عربستان دنبال شده است. اهمیت موضوع هنگامی روشن تر می‌شود که در نظر بگیریم روابط بین الملل سعودی با ایالات متحده که از روزهای نخست اکتشاف نفت تا امروز ادامه دارد، تعریف می‌شود (Ennis and Momany, 2013: 1131).

موازنه سازی در برابر تهدید، به عنوان هدف کلان عربستان در محیط منطقه‌ای و عربی در شرایط حاضر ابعاد متعددی دارد. سعودی‌ها در حال حاضر جمهوری اسلامی ایران را به عنوان اصلی‌ترین تهدید برای امنیت ملی خود محسوب می‌کنند و بر این اساس، می‌توان گفت مقابله با ایران به اصل نظام بخش سیاست منطقه‌ای عربستان تبدیل شده است. لذا مسئله اصلی پیش روی نظام سعودی در شرایط کنونی، مقابله با ایران و موازنه سازی در برابر تهدیدات آن است که ابعاد مختلفی یافته است و مهم‌ترین آن، تلاش برای ایجاد ائتلاف سنی-عربی در برابر ایران است. در این راستا، عربستان می‌کوشد در شرایطی که اغلب قدرت‌های سنتی عربی مانند عراق و مصر با بحران و چالش مواجه هستند، با تثبیت جایگاه محوری خود در میان عرب‌ها، به عنوان رهبر جهان عرب نمودار شده و از این جایگاه برای مقابله با ایران استفاده کند. تلاش عربستان برای رهبری جهان عرب و ایجاد ائتلاف گسترده عربی-سنی در برابر ایران با چالش‌های مختلفی روبرو شده است (اسدی، ۱۳۹۵: ۳-۴).

مقامات عربستان سعودی ادعا می‌کنند که ایران به دنبال هژمونی منطقه‌ای و بازسازی «امپراتوری پارسی» است. ریاض نفوذ ایران در عراق، سوریه، یمن، لبنان و فراتر از آن را به عنوان تحقیر خود و جهان عرب می‌بیند. از سوی دیگر، ایران بیشتر به دنبال ایجاد امنیت برای خود این اقدامات را انجام می‌دهد چراکه در دهه‌های گذشته ایران قربانی حضور و نفوذ قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای بوده است (Mousavian, 2018).

جمهوری اسلامی ایران از دهه ۱۹۸۰ ادعایی مبنی بر تشکیل «ام القرا»، به معنای «مادر تمام شهرها» که به کل جهان اسلام اطلاق می‌شود، صادر شد. همچنین در مقابل پادشاه عربستان در سال ۱۹۸۶ با ادعای مشابهی لقب «خادم الحرمین»، به عنوان رهبر جهان اسلام برای خود برگزید. این رقابت‌ها بیشتر رنگ و بویی ایدئولوژیکی به خود گرفت و بسیاری از روابط را تحت تأثیر خود قرارداد. قدرت‌های خلیج فارس؛ جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی، حداقل از زمان حمله به عراق در سال ۲۰۰۳، درگیر رقابت هژمونیک نسبت به قدرت و نفوذ در بین کشورهای منطقه بوده‌اند. ناسیونالیسم، ایدئولوژی انقلابی، رقابت در مورد هژمونی منطقه‌ای، قیمت نفت، نگرش نسبت به حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس و به مسئله حج از مهم‌ترین مسائل میان دو کشور بوده است (Fathollah Nejad, oct. 25, 2017).

یکی از مهم‌ترین چالش‌ها برای عربستان را باید در عدم موفقیت ریاض در همراه ساختن قاهره با خود در معادلات منطقه‌ای دانست. به‌رغم حمایت‌های سیاسی و اقتصادی جدی عربستان از السیسی در مصر، اختلاف‌نظرهای دو کشور در مسائل منطقه‌ای به‌خصوص بحران سوریه باعث تشدید تنش و اختلافات بین دو کشور شده است، موضوعی که نشانگر عدم تمایل دولت‌های محوری جهان عرب برای پذیرش رهبری عربستان سعودی و انطباق باسیاست‌های آن در منطقه است (اسدی، ۱۳۹۵: ۳-۴).

دعوت ریاض از مقتدی صدر و طرح کمک به دولت حیدرالعبادی، تحت فشار قرار دادن کشورهای مستقل منطقه برای دوری از ایران، فشار بر سعد حریری باهدف بحران سازی در لبنان و به انفعال کشیدن حزب‌الله و احتمالاً بهره‌گیری آتی از ابزار بازسازی برای اثرگذاری بر آینده سیاسی سوریه نمونه‌هایی از تلاش عربستان برای تضعیف جایگاه ایران و روابطش با بازیگران همسو است.

۳-۳. تهدید به بستن تنگه هرمز

از نظر جغرافیایی، تنگه به قسمتی از دریا گفته می‌شود که به‌طور طبیعی به وجود آمده باشد و دو سرزمین را از یکدیگر جدا می‌نماید. بدون توجه به این‌که آن سرزمین‌ها متعلق به دو کشور هستند یا یک کشور و بدون توجه به حداقل و حداکثر وسعت آن. همچنین، گاهی تنگه دو قسمت از دریای آزاد یا دو اقیانوس یا حتی دو قسمت از یک اقیانوس را به هم وصل می‌کند. هیچ ملاکی در مورد حداقل وسعت دریاهایی که تنگه آن‌ها را به هم وصل می‌کند؛ وجود ندارد (پورهاشمی و دیگران، ۱۳۹۲: ۸۹).

از نظر حقوقی نمی‌توان گفت که تمامی تنگه‌های دارای این خصوصیات جغرافیایی، تنگه محسوب می‌شود، بلکه تنگه‌هایی که برای رفت‌وآمد دریایی بین‌المللی اهمیت دارند، مشمول مقررات حقوقی می‌گردند. بنابراین، تنگه‌هایی که برای کشتیرانی بین‌المللی مورد استفاده قرار می‌گیرند، از نظر حقوقی تنگه به حساب می‌آیند. به عبارت دیگر، آبراه‌های بین‌المللی شامل تنگه‌هایی می‌شود که به‌طور اساسی برای کشتیرانی تجاری یا نظامی کشورها به‌غیر از کشورهای اطراف مورد استفاده قرار می‌گیرند (پورنوری، ۱۳۸۳: ۴۶).

تنگه هرمز به میزان نسبتاً زیاد مورد استفاده کشتیرانی بین‌المللی، به‌ویژه تانکرهای نفت متعلق به غیر کشورهای ایران و عمان و یکی از کانال‌های تجاری مهم در دنیا است که از میان آن دوسوم تجارت دریایی نفت خام عبور می‌کند. روزانه بیش از ۸۰ کشتی، عمدتاً تانکرها از تنگه هرمز استفاده می‌نمایند. در نتیجه، تنگه هرمز را باید از یک بعد تنگه بین‌المللی دانست؛ زیرا همه عناصر جغرافیایی و مورد استفاده قرار گرفتن تنگه را داراست (پورنوری، ۱۳۸۳: ۶۴-۶۵).

با توجه به اهمیت و نقش تنگه‌ها از دیرباز تاکنون، تنگه‌ها از موضوعات مورد مناقشه منطقه‌ای و جهانی بوده‌اند. تنگه هرمز با تردد سالانه ۲۰۰۰۰ فروند شناور، یکی از مهم‌ترین تنگه‌های

بین‌المللی محسوب می‌شود که در ردیف حیاتی‌ترین تنگه‌های عبور و مرور جهان می‌باشد؛ زیرا خلیج فارس دریای نیمه بسته‌ای است که از اهمیت ویژه‌ای در معادلات بین‌المللی انرژی برخوردار است. بنابراین، تنگه هرمز همانند کلید ورودی به این دریا محسوب می‌شود. تنگه هرمز آبراه‌ای با ۶۰۰ مایل طول است که تنها راه خروج آبی از خلیج فارس می‌باشد. شش جزیره استراتژیک ایران در منطقه ورودی خلیج فارس (هرمز، لارک، قشم، هنگام، تنب بزرگ و ابوموسی) به روی یک خط منحنی فرضی دفاعی قرار گرفته‌اند. این مهم از عواملی می‌باشد که ایران را به یک بازیگر اصلی در خلیج فارس تبدیل نموده است و امنیت پایدار در تنگه هرمز را مرتبط به این کشور کرده است (پورهاشمی و دیگران، ۱۳۹۲: ۹۰-۹۱).

احتمال مسدود کردن تنگه هرمز یکی از مسائل حقوقی و سیاسی مورد توجه در محافل علمی است. احتمال بستن و یا به عبارت دیگر، ناامن کردن تنگه هرمز و آب‌های آن که قسمتی از آن جز آب‌های ساحلی ایران می‌باشد و خود جزیره نیز خاک ایران می‌باشد، فرصتی است تا به بررسی حقوقی آن پرداخته شود. عده‌ای از نظر حقوق بین‌الملل (عرف بین‌الملل) بر آن هستند که بستن تنگه‌های بین‌المللی با اصل آزادی کشتیرانی در دریای آزاد در تعارض است.

تنگه هرمز جایگاه مهمی را در مبادلات انرژی دنیا ایفا می‌کند. روزانه ۲ میلیون بشکه تولیدات نفتی از جمله نفت و گاز طبیعی، از طریق این تنگه به دیگر نقاط جهان ارسال می‌گردد. صادرات گازی بزرگ‌ترین صادرکنندگان گاز طبیعی جهان یعنی قطر نیز از این تنگه به آسیا و اروپا ارسال می‌شود. کشور ژاپن و چین از عمده خریداران نفت خلیج فارس هستند. نفت وارداتی چین از طریق تنگه هرمز از طریق خطوط دریایی در سراسر خلیج فارس، دریای عرب، اقیانوس هند به چین منتقل می‌شود. برای این کشور امنیت خطوط دریایی در مسیر نفت وارداتی خود که از دو تنگه مالاکا و هرمز می‌گذرد در اولویت اساسی قرار دارد (Association for Asian, 2012).

عمده‌ترین دلیل اهمیت خلیج فارس به وجود ذخایر عظیم گازی و نفتی در این منطقه است. خلیج فارس دارنده بیش از ۴۸/۱ درصد ذخایر اثبات‌شده نفت جهان است و ۳۰ درصد تجارت جهانی نفت را در اختیار دارد. در سال ۲۰۰۹ کشورهای خلیج فارس در حدود ۲۸ درصد نفت جهان را تولید کرده‌اند. میزان صادرات کشورهای حاشیه خلیج فارس در سال ۲۰۱۱ روی هم رفته ۱۹/۱ میلیون بشکه در روز بود که از این میزان ۱۷ میلیون بشکه آن از طریق تنگه هرمز (معادل یک پنجم تقاضای جهانی) و الباقی از طرف خطوط لوله نفتی ترکیه به مدیترانه و از عربستان به دریای سرخ منتقل گردید (EIA, 2012). همچنین جدای از نفت، منطقه خلیج فارس نسبت عظیمی از ذخایر گازی ۲۸۲۶/۳ تریلیون فوت مکعب یعنی ۳۴/۴ درصد کل ذخایر کشف‌شده جهان را دارد که سهم ایران از آن ۱۵/۹ درصد معادل ۱۱۶۸/۶ تریلیون فوت مکعب است (BP, 2012:20).

جدول ۳-۴ اهمیت عبور ترانزیت نفت و گاز در تنگه هرمز

نام کشور	تولید روزانه نفت	مصرف	میزان صادرات	مسیر غیر از تنگه هرمز	مسیر غیر از تنگه هرمز در وضعیت اضطراری	تردد روزانه از تنگه هرمز	مسیر تنگه
عربستان	۱۱/۵۳	۲/۸۵۶	۸/۳۳۶	۳/۳ میلیون	۷/۷	۵ میلیون	۰
امارات	۳/۰۹۶	۵۷۲	۲/۵۲۴	۱/۷	۱/۸	۸۰۰ هزار	۵۰۰ هزار
عراق	۲/۶۳۴	۷۱۹	۱/۹۱۵	۷۰۰ هزار	۳/۳	۱/۲	۰
کویت	۲/۶۸۱	۳۳۹	۲/۳۴۳	۳۰۰ هزار	۰	۲ میلیون	۲ میلیون
قطر	۱/۶۳۷	۱۶۹	۱/۴۶۸	۴۰۰ هزار	۰	۱ میلیون	۱ میلیون
بحرین	۴۷	۴۸	-۱/۱۴	۰	۰	۰	۰
جمع	۱۸/۶۱۴	۴/۷۰۳	۱۶/۵۸۴	۶/۴	۱۲/۸	۱۰	۳/۵

منبع: Opec Monthly Oil Market Report, 11 October 2017

تهدیدات بی‌مورد پیرامون بسته شدن احتمالی تنگه هرمز و عدم عرضه نفت از این منطقه حساس به بازارهای بین‌المللی سبب شده تا کشورهای حاشیه این منطقه، دست‌به‌کار اقداماتی جهت انتقال نفت از طریق خطوط لوله بزنند. معنای دیگر این حرف این است که بر اساس اقدامات جدید، از اهمیت تنگه هرمز کاسته خواهد شد و اگر روابط بحرانی گردد و تنگه در شرایطی خاص مسدود گردد تنها ایران خواهد بود که متضرر خواهد گشت. به عبارت دیگر، اقدام کشورهای حاشیه خلیج فارس در ایجاد خطوط لوله برای انتقال نفت، از نقش تنگه هرمز به‌عنوان اهرم فشار و ابزار قدرت جمهوری اسلامی خواهد کاست و این چیزی نیست که با منافع ملی‌مان مطابقت داشته باشد.

شرایط ویژه خلیج فارس و بالا گرفتن تنش‌های موجود موجب شده است که کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در صدد احداث خط لوله‌ای در صورت عدم عبور نفت خام خود از تنگه هرمز باشند. این خط لوله قرار بود که به صورت طرح مشترکی از جانب کشورهای عضو این شورا باشد که از کویت آغاز شده و تا خلیج عمان ادامه داشته و از آن به‌منظور حمل نفت خام کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس استفاده شود.

به همین منظور، آمریکا مشغول همکاری با شورای همکاری خلیج فارس بوده است تا با ساختن خط لوله‌های متعدد نفت تنگه هرمز را دور بزنند. واشنگتن بر عراق نیز فشار می‌آورد تا با گفتگو با ترکیه، اردن و عربستان سعودی راه دیگری برای صادرات نفت خود پیدا کند. هدف از تغییر مسیر و دور کردن عبور نفت از خلیج فارس این است که مؤلفه‌ای بسیار مهم از اهرم استراتژیکی که ایران بر ضد واشنگتن و متحدان آن در اختیار دارد را از آن جدا و دور کنند. این عمل به‌طور مؤثری از اهمیت تنگه هرمز خواهد کاست (مفرح، ۸ ژانویه ۲۰۱۲).

۳-۴. حضور نظامی در کشورهای منطقه (یمن، سوریه)

الف) حضور نظامی عربستان در یمن

عربستان نگران است که نفوذ ایران تا نزدیکی مرزهای پیرامونی آن کشور کشیده شود. دستاوردهای سیاسی شیعیان حوثی در یمن در سال‌های اخیر بر درک تهدید عربستان از همسایگی و مجاورت خود افزود از ابتدای بحران یمن، عربستان برقراری ارتباط قوی با رهبران اپوزیسیون به‌ویژه حزب اسلام‌گرای اصلاح برای کنترل اوضاع را در پیش گرفت. این راهبرد کنترل یا ابتکار میانجی ترانه عربستان به برگزاری انتخابات در ماه فوریه ۲۰۱۲ منجر شد، اما این انتقال قدرت سیاسی از سوی گروه‌های داخلی و حوثی‌ها رد شد و با بن‌بست سیاسی به درگیری مسلحانه تبدیل شد (Corbeil & Amarasingam, March 31, 2016: 4).

با پیش روی حوثی‌ها و تصرف صنعا، فرار رئیس‌جمهور مستعفی یمن به دامان کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، با اتهام ایران در حمایت از حوثی‌ها، جبهه نزاع ژئوپلیتیک دیگری شکل گرفت و جنگ سرد فرقه‌ای را قوت بخشید؛ بنابراین، عربستان با مداخله مستقیم نظامی و تداوم حضور واکنشی تهاجمی در برابر نفوذ رو به افزایش ایران، از یک سو در صدد است، چالشی برای قدرت امنیت ملی و نفوذ منطقه‌ای آن کشور نباشد و بتواند توازن قدرت را در منطقه حفظ کند. از سوی دیگر از عراقی دیگر و همچنین تبدیل شدن حوثی‌ها به نسخه یمنی حزب‌الله جلوگیری کند (Kausch, 2015: 43).

یمن در نگاه استراتژیک عربستان، با توجه به مرزهای جغرافیایی مشترک و جمعیت و پتانسیل موجود بزرگ‌ترین رقیب در شبه‌جزیره و تیز بزرگ‌ترین تهدید بالقوه برای عربستان به حساب می‌آید. ملک عبدالعزیز اولین پادشاه و بنیان‌گذار عربستان سعودی در وصیت در این زمینه دارد: ۱. اینکه خیر و شر ما از یمن می‌آید و ۲. تا جایی که بتوان باید یمن را ضعیف و کنترل شده نگه داشته شود. سیاستی که عربستان در طول چند دهه گذشته دنبال کرده است. عربستان امنیت خود را از یک سو در تضعیف دولت مرکزی یمن و در سوی دیگر وابسته کردن آن به خود جست‌وجو می‌کند؛ بنابراین، آن کشور، یمن را به‌مثابه ژئوپلیتیک تهدید و نفوذ در امتداد حیاط خلوت و خط قرمز استراتژیک خود می‌داند. طبق گزارش ۲۲ فوریه ۲۰۱۶ سپیری، عربستان با بودجه نظامی بالغ بر ۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۵ پس از آمریکا و چین در رتبه سوم جهانی قرار گرفته است، (Sipri, 2016: 37) نزدیک به ۱۷ درصد از روند افزایشی کل هزینه نظامی عربستان در ۲۰۱۵ که یک افزایش ۵/۳ میلیارد دلاری است. به علت مداخله نظامی عربستان در یمن است از منظر عربستان تقبل چنین هزینه‌ای در راستای در هدف یکی رقابت ژئوپلیتیک یا ایران و دیگری گسترش عمق نفوذ استراتژیک از طریق راهبردهای تهاجمی است. نکته حائز اهمیت آن است که این تهاجم نظامی یک هفته قبل از امضا چهارچوب هسته‌ای لوزان در ۲ آوریل ۲۰۱۵ انجام شد. زمانی که جامعه بین‌المللی و ایران بر سر مسئله هسته‌ای به هم

نزدیک‌تر می‌شدند. قابل فهم است که رادیکالیسم نوین منطقه‌ای عربستان در صدد مخالفت و ضربه زدن به تضعیف روند مذاکرات و دستیابی به توافق هسته‌ای بود (Cunningham, 2015:16, may).

وجود شمار قابل توجهی از شیعیان در یمن و تأثیرپذیری فرهنگی سیاسی آن‌ها از ایران که به‌ویژه در جنبش انصار الله کاملاً نمایان است، یکی از دغدغه‌های عربستان سعودی است. بر این اساس جلوگیری از قدرت‌یابی شیعیان از مهم‌ترین اولویت‌های استراتژیک عربستان در بحران اخیر یمن بوده است. در همین راستا، فرید زکریا می‌گوید: «آنچه سعودی‌ها را به حملات علیه یمن کشاند این است که آن‌ها دولتی شیعی در یمن نمی‌خواهند». به تعبیر دیگر، عربستان سعودی دولت شیعی در یمن را مشکلی بزرگ برای رژیم خود می‌بیند (نجات و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۶۰). ایدئولوژی وهابی پادشاه سعودی، عربستان را در تقابل شدید با شیعیان قرار داده است. اعتقاد حکومت عربستان بر این است که شیعیان یمنی پیوند نزدیکی با حکومت ایران و همچنین شیعیان سعودی دارند به گونه‌ای که هر نوع موفقیت شیعیان یمن به سرعت شیعیان سعودی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و در ضمن سبب افزایش نفوذ و اعتبار جمهوری اسلامی ایران خواهد شد (مرکز الجزیره للدراسات، ۲۰۱۵: ۳).

پس از قیام حوثی‌ها، اوضاع سیاسی یمن پیچیده‌تر شد، چراکه صالح در کنار حوثی‌هایی که یک‌بار وی را سرنگون کردند در مقابل عربستان به مبارزه پرداخت. از سوی دیگر هنگامی که عربستان سعودی مبارزات نظامی خود را علیه یمن در سال ۲۰۱۵ آغاز کرد، صالح به ایران سفر کرد و طرحی را با عنوان مشارکت استراتژیک علیه عربستان ارائه داد که ایران این پیشنهاد را رد کرد؛ اما در اواخر سال ۲۰۱۷، صالح سعی کرد مجدداً خود را با سعودی‌ها هماهنگ کند؛ اما این بار توسط حوثی‌ها کشته شد (Mousavian, 2018).

درواقع پس از تهاجم عربستان سعودی به یمن، ایران سعی در نفوذ در این کشور داشته است، همچنین از حوثی‌ها در مقابل تهاجم عربستان و متحدان این کشور در منطقه حمایت کرده است. در مقابل نفوذ ایران در این کشور برای عربستان که یمن را به عنوان حیاط‌خلوت خود می‌دید قابل تحمل نبود. به همین ترتیب یکی مسائلی که در سال‌های گذشته توانسته به عنوان بحران در روابط دو کشور بروز پیدا کند مسئله تهاجم عربستان سعودی به یمن بوده است. (Mousavian, 2018).

(ب) حضور نظامی ایران در سوریه

با خیرش تحولات جهان عرب ۲۰۱۱، تفاوت‌ها و تعارض‌های ژئوپلیتیک ایران و عربستان عمیق‌تر شد. درحالی‌که ایران ظهور انقلاب عربی را تداوم انقلاب خود و بیداری اسلامی تصور می‌کند عربستان آن را حرکتی از خارج از منطقه برای به چالش کشیدن امنیت ملی و مشروعیت سنتی خود می‌داند. علاوه بر آن با چرخش استراتژیک آمریکا از غرب به شرق آسیا، تعهدات

استراتژیکی آمریکا و حمایت از متحدان استراتژیک سنتی به‌ویژه عربستان کاهش یافت. در نتیجه با سست شدن پایه‌های نظم موجود، گسست‌های ائتلافی، کاهش مداخله آمریکا و رشد بازیگران شبه‌نظامی و فرقه‌گرایی، خلأ قدرتی در منطقه پدیدار شد این وضعیت ضمن افزایش مانور و قدرت عمل بازیگران محلی و منطقه‌ای، نوعی در هم تنیدگی و دوگانگی‌های تقابلی / تعاملی بین بازیگران مداخله‌تر فرا منطقه‌ای و منطقه‌ای ایجاد کرد.

ایران به‌عنوان قدرت منطقه‌ای نقش تعیین‌کننده‌ای در توقف گسترش داعش داشته و در جهت جلوگیری از فروپاشی دو دولت سوریه و عراق تلاش‌های فراوانی از خود نشان داده است. فرماندهان عراقی بارها اعلام کرده‌اند که بدون حمایت نیروهای ایرانی قادر به نابودی داعش و خروج آن از عراق نبوده‌اند. همچنین مسعود بارزانی، رئیس اقلیم کردستان عراق نیز اظهار داشت: «هنگامی که اربیل در آستانه سقوط توسط داعش بود، ایران اولین کشوری بود که برای ارائه اسلحه و مهمات اقدام کرد». این اقدامات موجب خصومت هرچه بیشتر عربستان سعودی نسبت به ایران شده است، چراکه امروز نابودی داعش و نقش جدایی‌ناپذیر ایران در تحقق این امر نشان از قدرت ایران در منطقه است. در حالی که ریاض در سال‌های گذشته تلاش کرده است تا دخالت ایران را به‌عنوان یکی از قدرتهای منطقه‌ای در کشورهای دیگر به حداقل برساند (Mousavian, 2018).

سوریه بخش مهمی از حوزه نفوذ جمهوری اسلامی ایران در دهه‌های گذشته محسوب می‌شود و دولت بشار اسد مدت‌هاست که متحد اصلی ایران می‌باشد و یکی از حلقه‌های اصلی محور مقاومت و همسایه اسرائیل به حساب می‌آید (Khalaji, 27 June 2011). عربستان سعودی و متحدان که شورشیان سنی جریان اصلی آن را تشکیل می‌دادند در جهت تضعیف جایگاه ایران و امنیت آن گام برمی‌داشتند. این در حالی است که جمهوری اسلامی ایران از ابتدای شروع جنگ داخلی سوریه حضور داشته است و کمک‌های فراوانی در جهت حفظ امنیت این کشور داشته است (Johnson, 30 October 2015). ایران و عربستان سعودی در ۲۰۱۵ برای شرکت در مذاکرات صلح در وین به دعوت جان کری وزیر امور خارجه ایالات متحده و سرگئی لاوروف وزیر خارجه روسیه شرکت کردند، اما مذاکرات در نهایت شکست خورد (Sanger, 29 October 2015).

در سپتامبر سال ۲۰۱۵، دولت‌های روسیه، ایران، عراق و سوریه ائتلاف مشترکی را به‌عنوان بخشی از مبارزه با داعش تشکیل دادند. این اتحاد هم‌زمان با ائتلافی تحت رهبری ایالات متحده یک سال پیش برای مبارزه با داعش ایجاد شد. روسیه در سوریه برای حمایت از دولت اسد و هدف قرار دادن گروه‌های شورشی، همکاری با ایران و استفاده از پایگاه‌های هوایی ایران در جهت حملات هوایی اقدام کرد. عربستان سعودی با افزایش حمایت خود از شورشیان و تأمین تجهیزات آن‌ها که سخت‌آمیز بود علیه دولت سوریه و در جهت تضعیف ایران به کار گرفت (Bassam, 6 November 2015).

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

روابط عربستان و ایران در بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۷ دارای فراز و نشیب‌های فراوانی بوده است که در پس منافع دو طرف این روابط بیشتر به سمت واگرایی و رویکردی تهاجمی نسبت به یکدیگر در سال‌های گذشته شده است. جایگاه هر دو کشور در منطقه موجب می‌شود تا هر یک به دنبال رهبری و به دست آوردن هژمونی منطقه‌ای باشند و این رویکرد از سوی عربستان سعودی پس از به قدرت رسیدن ملک سلمان و نقش بی‌بدیل جانشین وی - محمد بن سلمان - بیشتر مشهود بوده است و شروع این رخداد را باید در تهاجم این کشور به یمن در اوایل به قدرت رسیدن ملک سلمان بیان کرد؛ اما از سوی دیگر ایران سعی در ایجاد روابط نزدیک با عربستان و تنش‌زدایی میان دو کشور داشته است اما تفاوت‌هایی در رویکردهای دو کشور موجب شده است تا هر دو به‌عنوان قدرت‌های منطقه‌ای نتوانند به‌صورت مسالمت‌آمیز دور میز مذاکره قرار گیرند.

همان‌طور که در بحث چارچوب نظری پژوهش بدان اشاره شد، با توجه به مؤلفه‌هایی که در زمینه بحران در روابط دو کشور بیان شد؛ برای بررسی رفتار دو کشور در عرصه سیاست خارجی رویکرد واقع‌گرایی تهاجمی بهترین نظریه می‌باشد. عربستان سعودی بیشترین نگرانی را نسبت به امنیت و دستاوردهای نسبی خود در منطقه دارد و از این حیث برای آنکه بتواند جایگاه خود در رهبری جهان اسلام و حفظ ژئوپلیتیک منطقه‌ای را در مقابل نفوذ ایران حفظ کند، روابط خود را با غرب گسترده‌تر کرده است؛ اما در مقابل، ایران با توجه به رویکرد ایدئولوژی محور حرکت می‌کند و سعی در تأمین امنیت نسبی خود دارد و هویت خود را بیشتر بر اساس مخالفت با منافع غربی می‌بیند. همچنین این رویکرد را باید نفوذ ایران در کشورهای منطقه و صدور انقلاب ببینیم چراکه در سال‌های گذشته مشاهده می‌شود که ایران در عراق، سوریه و همچنین لبنان حضور مستقیم داشته است.

در دوران ملک سلمان یعنی بین سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۸ بیشتر چالش‌ها میان دو کشور حول محور چند نکته قرار داشته است که مهم‌ترین این محورها همان‌طور که در متن پژوهش نیز بدان اشاره شد؛ ایجاد نوسان در قیمت انرژی، رقابت بر سر رهبری جهان اسلام و حضور نظامی در کشورهای منطقه می‌باشد. هر یک از این عوامل برای ایجاد بحران در روابط دو کشور در سال‌های گذشته تأثیر فراوان بر نوع روابط دو کشور با یکدیگر و همچنین روابط آن‌ها با سایر قدرت‌های بین‌المللی داشته است. آنچه مسلم است هر دو کشور به دلیل داشتن ایدئولوژی و منافع امنیتی-اقتصادی که در منطقه دارند سعی در مدیریت شرایط به سود خود دارند. مجموع این موارد که در متن پژوهش بیان شد موجب ایجاد روابطی پرتنش و همچنین بحران‌زا شده است که علاوه بر تحت تأثیر قراردادن روابط دو کشور با یکدیگر روابط سایر کشورهای منطقه و فرا منطقه‌ای را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.

- مسئولان جمهوری اسلامی ایران از به کار بردن الفاظ یا جملاتی که از آن‌ها برداشت تحقیرآمیز نسبت به سعودی‌ها می‌شود، اجتناب کنند.
- دیپلماسی عمومی و استفاده از ظرفیت‌های فرهنگی مانند حج برای تلطیف فضا لازم است. ایران می‌تواند از طریق به کار بردن برنامه‌های فرهنگی و مذهبی به دنبال جذب نظر دولت و جریان‌های مذهبی و سیاسی ایران برآید.
- از کشورهایمانند کویت و عمان برای وساطت و میانجیگری استفاده شود.
- از ظرفیت‌های دیپلماسی پارلمانی مانند بهره‌گیری از اجلاس‌های اتحادیه بین‌المجالس استفاده شود.
- از مواضع تند سیاسی نسبت به سعودی‌ها به شدت خودداری شود. این مسئله سعودی‌ها را به سمت رژیم صهیونیستی و نزدیکی بیشتر به ایالات متحده سوق می‌دهد، برعکس از مواضع وحدت‌طلبانه و تأکید بر جایگاه مهم عربستان در جهان اسلام استفاده شود.
- دو طرف در بحران‌هایی مانند یمن باهم درگیر هستند. به نظر می‌رسد بحران یمن می‌تواند آغاز خوبی برای همکاری فی‌مابین باشد زیرا هم به صلح و ثبات و بازگشت آرامش به کشور جنگ‌زده یمن کمک می‌کند و هم اینکه دو طرف حداقل پشت یک میز مشترک باهم مذاکره می‌کنند. اروپایی‌ها می‌توانند واسطه خوبی برای این امر باشند.

کتابنامه

۱. اسدی، علی‌اکبر (۱۳۹۵)، «سیاست خارجی تهاجمی و سیاست داخلی عربستان»، فصلنامه روابط خارجی»، ۸(۱): ۹-۱۶.
۲. البسیونی، محمد عبدالحلیم (۲۰۱۵)، حسابات معقده: التحالف العربی والصراع الیمنی، القاهرة، مرکز الاقلمی للدراسات.
۳. پورنوری، منصور، حقوق بین‌الملل دریاها، تهران، انتشارات پیام حق، جلد دوم، چاپ اول، ۱۳۸۳، ۴۶.
۴. پورهاشمی، سید عباس و نعمتی، اکرم و حیدری، فلورا (۱۳۹۲)، «رژیم حقوقی حفاظت محیط‌زیست آبراه‌های بین‌المللی با تأکید بر تنگه هرمز»، دانشنامه حقوق و سیاست، ۲۰: ۸۷-۱۰۲.
۵. خضری، احسان، صفوی، سید حمزه و امین پرهیزکار (۱۳۹۴)، «ریشه‌یابی منازعات ایران و عربستان: مطالعات موردی سه کشور عراق، بحرین و یمن»، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، ۲۳: ۱۷۹-۲۰۷.
۶. علیخانی، مهدی (۱۳۹۶)، «ایران و عربستان سعودی: از موازنه جویی در پس‌ابرجام تا بحران زایی محمد بن سلمان»، ماهنامه دیپلمات، اسفند ۱۳۹۶.

۷. کرمی، کامران (دی‌ماه ۱۳۹۶)، «نقش هاشمی در معماری روابط ایران و عربستان»، سایت خبری-تحلیلی فراتاب.

<http://www.faratab.com/news/7182/>

۸. ناصرپور، حسن (۱۳۹۶)، «مؤلفه‌های جنگ هیبریدی عربستان علیه جمهوری اسلامی: ۲۰۱۵-۲۰۱۷»، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۸(۴): ۲۷-۴۶.

۹. نجات، سید علی و موسوی، سید رضا و صارمی، محمدرضا (۱۳۹۵)، «راهبرد عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران یمن»، فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، ۹(۳۳): ۱۳۷-۱۷۹.

References

1. "Iran Nuclear Deal: Key Details," January 16, 2016, BBC News, Accessed October 17, 2016. <http://www.bbc.com/news/world-middle-east-33521655>.
2. "Saudi crown prince: If Iran develops nuclear bomb, so will we". CBS News. 15 March 2018. Retrieved 16 March 2018.
3. Ali Fathollah-Nejad, Brief aus Manama [Letter from Manama], impressions from the IISS (International Institute for Strategic Studies) Manama Dialogue 2016, WeltTrends: Das außenpolitische Journal, No. 125 (March 2017), pp. 19–21.
4. Ali Fathollah-Nejad, German–Iranian Relations after the Nuclear Deal: Geopolitical and Economic Dimensions, Insight Turkey, Vol. 18, No. 1 (Winter 2016), pp. 59–75.
5. Alikhani, Mehdi (1986), "Iran and Saudi Arabia: From Post-Balance to Crisis to Mohammad bin Salman Crisis", Diplomatic Monthly, March 2016. (*in Persian*)
6. Asadi, Ali Akbar (2016), "Offensive Foreign Policy and Saudi Domestic Policy," Quarterly Journal of Foreign Relations, Eighth Year, No. 1, pp. 9-16(*in Persian*)
7. Al-Bassouni, Mohammed Abdul Halim (2015), Computational Accounts: Al-Arabi Al-Arabi and Al-Asriyah Al-Qaeda, Laldersat Al-Qulim Center. (*in Persian*)
8. Bassam, Laila; Perry, Tom (6 November 2015). "Saudi support to rebels slows Assad attacks: pro-Damascus sources". Reuters. Retrieved 6 October 2016.
9. Corbeil, Alexander & Amarnath Amarasingam (March 31, 2016), "The Houthis Hezbollah: Iran, s Train-and-Equip Program in Sanaa", <https://www.foreignaffairs.com/articles/>
10. Cunningham, Finian (16, May 2015), "Saudi Option of Yemen War to Blow Iran P 5+1 Deal", Available at Web: <http://www.strategic-culture.org/>
11. EIA (2008) Annual Energy Outlook 2009, DOE/EIA- 0383(2008) (Washington, DC, June).

12. Ennis, Crystal A. and Momani, Bessma. 2013. "Shaping the Middle East in the Midst of the Arab Uprisings: Turkish and Saudi foreign policy strategies," *Third World Quarterly*, Vol. 34, No. 6: 1127–114.
13. Hameed, Usjid U, (2017) "The Saudi-Iranian Rivalry: A Foreign Policy Analysis Approach", *TOWSON UNIVERSITY JOURNAL OF INTERNATIONAL AFFAIRS VOL. L NO. 2*.
14. <http://www.independent.co.uk/news/world/middle-east/saudi-arabia-could-be-bankrupt-within-five-years-imf-predicts-a6706821.html>
15. John J. Mearsheimer and Stephen M. Walt, "Keeping Saddam Hussein in a Box," *New York Times*, February 2, 2003.
16. John J. Mearsheimer and Stephen M. Walt, "The Israel Lobby and U.S. Foreign Policy," *Faculty Research Working Paper No. RWP06-011*, John F. Kennedy School of Government, Harvard University, March 13, 2006. For a revised, updated, and unabridged version, see John J. Mearsheimer and Stephen M. Walt, "The Israel Lobby and U.S. Foreign Policy," *Middle East Policy*, Vol. 13, No. 3 (Fall 2006), pp. 29-87
17. John J. Mearsheimer, (2010) "Structural Realism," in Timothy Dunne, Milja Kurki, and Steve Smith. *International Relations Theories: Discipline and Diversity*. (Oxford: Oxford University Press, 2010), 77-94, 78.
18. Johnson, Henry (30 October 2015). "Mapping the Deaths of Iranian Officers Across Syria". *Foreign Policy*. Retrieved 6 October 2016.
19. Karami, Kamran (December 1396), "Hashemi's Role in Architecture of Iranian-Saudi Relations", *Faratab News-Analytical Site* [http://www.faratab.com/news/7182/\(in_Persian\)](http://www.faratab.com/news/7182/(in_Persian))
20. Kausch, Kristina (2015). *Geopolitics and Democracy in the Middle East*. FRIDE. A European Think Tank for Global Action.
21. Keynoush, Banafsheh. 2016. *Saudi Arabia and Iran: Friends or Foes?* New York: Palgrave MacMillan.
22. Khalaji, Mehdi (27 June 2011). "Iran's Policy Confusion about Bahrain". *The Washington Institute for Near East Policy*. Retrieved 7 October 2016.
23. Khazri, Ehsan, Safavi, Seyed Hamzeh and Amin Parhizkar (2015), "Rooting Iran-Saudi Conflict: Case Studies of Three Countries Iraq, Bahrain and Yemen", *International Political Research Quarterly*, Issue 23. Pp. 179-207. (*in Persian*)
24. Landler, Mark (8 May 2018). "Trump Withdraws U.S. From 'One-Sided' Iran Nuclear Deal". *The New York Times*. Retrieved 8 May 2018.
25. Macias, Amanda (19 March 2018). "Saudi crown prince, Trump to hold 'critical' talks on Iran nuclear deal". *CNBC*. Retrieved 20 March 2018.
26. Mousavian, Seyed Hossein (2018), "The Widening Saudi-Iran Divide", *the caire view of global affairs*, <https://www.thecaireview.com/essays/the-widening/>
27. Nasserpour, Hassan (1986), "Components of the Saudi Hybrid War Against the Islamic Republic: 2015-2017", *Humanities and Cultural Studies Research Institute*, Eighth Year, No. 4, pp. 27-46. (*in Persian*)

28. Nejat, Seyyed Ali and Mousavi, Seyyed Reza and Saremi, Mohammad Reza (2016), "Saudi Arabia and the Islamic Republic of Iran's Response to the Yemen Crisis", *Journal of International Relations Studies*, Ninth Year, No. 33. Pp. 137-179. (in Persian)
29. Opec Monthly Oil Market Report, (11 October 2017)"Feature article:The Winter Product Markets Outlook".
30. Pourhashemi, Seyyed Abbas & Nemati, Akram & Heydari, Flora (2013), "The Legal Regime of Environmental Protection of International Waterways with Emphasis on the Strait of Hormuz", *Encyclopedia of Law and Politics*, No. 20, pp. 20-107. (in Persian)
31. Purnouri, Mansour, *International Law of the Seas*, Tehran, Payam Hagh Publications, Second Volume, First Edition, 2004, p. 46. (in Persian)
32. Ramani, Samuel (12 September 2016). "Israel Is Strengthening Its Ties With The Gulf Monarchies". *The Huffington Post*. Retrieved 14 September 2016.
33. Sanger, David E. Kirkpatrick, David D. Sengupta, Somini (29 October 2015). "Rancor Between Saudi Arabia and Iran Threatens Talks on Syria". *The New York Times*. Retrieved 6 October 2016.
34. See Farhi, Farideh & Lotfian, Saideh [Faculty of Law and Political Sciences, University of Tehran] (2012) 'Iran's Post-Revolution Foreign Policy Puzzle', in: Nau, Henry R. & Ollapally, Deepa M. (eds.) *Worldviews of Aspiring Powers: Domestic Foreign Policy Debates in China, India, Iran, Japan, and Russia*, New York: Oxford University Press, pp. 114-145.
35. Sipri Fact Sheet (April 2016), "Trends in World Military Expenditure, 2015", Available at web: www.sipri.org/databases/milex/.
36. Trickett, Nicholas(2018)," Shale to the Chief: Russia and Saudi Arabia's Great Oil Game" <https://thediplomat.com/2018/02/shale-to-the-chief-russia-and-saudi-arabias-great-oil-game/>